



«روتاری» بنا به تعریف مؤسسان آن، به مفهوم چرخ‌های دوار یک کارخانه به هم پیوسته است که با چرخش هر دنده، چرخ دنده دیگر به حرکت درمی‌آید و در نتیجه کل سیستم متحرک می‌شود.

با این تعبیر کلوب روتاری بین‌المللی به دنبال ایجاد یک نظام به هم پیوسته و متشکل جهانی است که با اراده و حرکت دندانه‌های کلوب مادر، تمام این سیستم جهانی در جهت منافع غرب به حرکت درآید.

اعضای کلوب روتاری در هر جامعه، از فعالان و نیروهای کیفی آن جامعه انتخاب می‌شوند و مأموریت اصلی آنها ایجاد حلقه اتصال با قدرت‌های غربی از طریق نظام بین‌المللی با کمک رجال سیاسی و کلان‌سرمایه‌داران است.

سال‌های ۵۰– ۱۳۴۰ سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) فعالیت شش‌پدی را برای کسب اطلاع از سازمان فراماسونری آغاز کرد. از آنجا که ساواک از بسیاری ماجراها باخبر است، لذا از گزارش‌های این سازمان می‌توان به عنوان منبع استفاده کرد. از دیدگاه ساواک، کلوب‌های روتاری و باشگاه‌های لاینز از سازمان‌های جنبی فراماسونری به شمار می‌روند. تفاوت باشگاه‌های روتاری و لاینز با فراماسونری در ماهیت سازمانی آنها نیست، بلکه در ساختار اجرایی و صور ظاهری آنهاست. دو باشگاه مذکور برخلاف انجمن‌های ماسونی که پنهانکاری، سایه بر فعالیت‌های آنها انداخته بود، محافظی علنی بودند و با مجوز رسمی مقامات اجرایی هر کشور تشکیل می‌شدند. یکی از استاد ساواک اشاره‌ای به این موضوع دارد:

به: ۳۲۱

منبع: ۲۱۷۹

از: ۲۰هـ/ا

تاریخ وقوع: اخیراً شماره گزارش ۴۳۲۹۷/۲۰/هـ/

تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات: ۴۸۲/۹

تاریخ: ۴۸۲/۱۰

موضوع: فراماسونری (اطهارات سیدحسن امامی امام جمعه تهران)

دکتر عباس ریاضی کرمانی که با امام جمعه تهران درباره فراماسونری ملاقات کرده می‌گفت امام جمعه گفته است فراماسونری سازمان خطرناکی نیست و ما کوشش می‌کنیم تشکیلات آن را علنی کنیم و فعالیت آن را توسعه دهیم. امام جمعه گفته است چون فراماسونری به مذهب و ملیت افراد کاری ندارد هر کس با هر مذهب و هر ملیت می‌تواند در این صورتی که واجد شرایط مخصوصی باشد در این سازمان عضویت پیدا کند مانند سازمان تسلیح اخلاقی و «سازمان لاینز» و کلوب آکلوب روتاری که تاکنون به صورت علنی فعالیت می‌کرده‌اند. امام جمعه گفته‌است سازمان سیایک سازمان جاسوسی به نفع آمریکاست در حالی که فراماسونری متعلق به کشور خصوصی نیست. توضیح رهبر عملیات: درباره انتشار اسامی افراد عضو لژ فراماسونری و افراد وابسته به سازمان سیا قبلاً گزارشاتی فرستاده شده است. عضویت و حضور زنان در باشگاه روتاری و لایننز برخلاف لژهای ماسونی، آزاد بود و حتی باشگاه‌های روتاری و لاینز ویژه زنان نیز در کنار باشگاه‌های مردان به تکاپوی خود ادامه دادند و حتی هر چند ماه یا چند هفته یک بار، جلسات مشترک به منظور تحکیم مودت و دوستی و تبادل افکار در ایران و جهان تشکیل می‌شد. حضور زنان در صحنه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که ویژگی تحولات قرن بیستم است، در وجود باشگاه‌های روتاری و لاینز تجلی خاصی پیدا کرده است. تفاوت دیگر فراماسونری با باشگاه‌های روتاری و لاینز، در پایگاه و نقش اعضای آنهاست. ماسون‌هایبیشتر از میان قشر روشنفکر و تحصیلکرده دارای مبانی فکری و ایدئولوژیک انتخاب می‌شدند در حالی که در باشگاه‌های روتاری و لاینز غیر از افراد تحصیلکرده، مدیر کل‌ها و صاحبان شرکت‌ها و تکنوکرات‌ها نیز عضو می‌شدند. می‌توان گفت نظام

گزارش ساواک ۲۱۸۶۲/۳۱

تاریخ وصول خبر: ۴۱/۲/۲۹

منبع خبر: مأمور ویژه

تاریخ گزارش: ۴۱/۲/۳۱

تقویم: ب-۱

یکی از محارم سردار فاخرحکمت اظهار می‌داشت مسافرت‌های حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی به فارس و شیراز ظاهراً تحت عنوان سالگرد «انجمن لاینز» صورت گرفته و به منظور انجام مأموریت سیاسی و مخفی است.

مشارالیه افروز انجمن لاینز که یکی از شعبات لژ بزرگ فراماسونری انگلستان است تحت عنوان انجام کارهای عام‌المنفعه بزرگ‌ترین دستگاه

خبری دولت انگلستان در کشورهای دنیا محسوب می‌شود و آقای علا وزیر دربار شاهنشاهی که خود از فراماسون‌های معروف و از اعضای بزرگ لژ لندن هستند و ریاست جوامع فراماسونری ایران را به عهده دارند، در این مسافرت به توصیه مقامات انگلستان دستورات محرمانه‌ای به مأموران نفوذی انگلستان در فارس که اکثراً بین عشایر دارای نفوذ و رهبری هستند صادر خواهد کرد، زیرا ممکن است روابط شاهنشاهی و دولت آقای امینی که به صورت مبارزه سیاست انگلستان و آمریکا در ایران درآمده است، وضع نامساعدی به خود گیرد. بدین ترتیب عشایر فارس طبق تعلیماتی که آقای علا به آن خواهند داد برای دولت مرکزی اشکالات بزرگی فراهم خواهند کرد. گوینده افزوده است اکثر رجال فارس و سران عشایر این منطقه فراماسون و تابع دستورات لژ بزرگ لندن هستند و طبعاً تابع نظر و دستورات آقای علا خواهند بود و قرار است آقای

علا مدت ۶ روز به عنوان بازدید از تخت جمشید در آنجا اقامت کرده و جلساتی با حضور دوستان خود تشکیل داده و سپس به کارزون و بوشهر و لارستان عزیمت کرده و به این طریق مقدمات شورش عشایر را علیه دولت فراهم کنند. مهر فوق محرمانه در سد مذکور، رده شده است.

باشگاه‌های لاینز حوزه تهران عبارت بودند از: باشگاه تهران، باشگاه شمال تهران، باشگاه یوسف‌آباد، باشگاه قلیک، باشگاه تجریش و باشگاه ری. باشگاه‌های لاینز فعالیت زیادی در میان جوانان و دانشجویان داشتند و سعی می‌کردند آنها را به سوی خود کشیده و کنترل کنند. یکی از برنامه‌های آنها نفوذ در اردوهای عمران ملی دانشجویان بود که سرانجام موفق شدند مسؤولیت هماهنگی اردوهای عمران ملی دانشجویان را به دست گیرند. دکتر محمدعلی احمدی، از سران باشگاه‌های لاینز ایران و استاد دانشکده علوم اداری دانشگاه تهران و مدرسه عالی حسابداری مؤسسه علوم بانکی بود که مسؤول هماهنگی اردوی عمران ملی دانشجویان بود.

■ **باشگاه‌های لاینز (I.O.N.S.L)**

باشگاه لاینزنز سال ۱۹۱۷ توسط یکی از فراماسون‌های آمریکایی به نام «ملوین جونز» در شهر شیکاگو تأسیس شد و شعبه‌ای از آن در تاریخ پانزدهم فروردین ۳۶ در ایران افتتاح شد و بزودی در حدود ۵۰ شهر ایران شعبه‌هایی دایر کرد. اعضای این باشگاه‌ها در روزهای پنجشنبه سوم هر ماه در یکی از هتل‌های تهران تشکیل جلسه می‌دادند. هدف ظاهری باشگاه‌های لاینز، گسترش نوع دوستی و حمایت از حقوق بشر و کمک به انسان‌های ستم کشیده و از این قبیل است ولی هدف واقعی و پشت‌پرده آنان همانند لژهای فراماسونری و کلوب‌های روتاری، برقراری جامعه جهانی و حکومت جهانی است. بسیاری از اعضای این باشگاه‌ها هم زمان عضو لژهای فراماسونری و کلوب‌های روتاری هم بودند. خسرو هدایت، رئیس شورای عالی مناطق لاینز ایران، ضمن دفاع از فراماسونری، همکاری لاینز را با فراماسون‌ها انکار می‌کرد. البته به روایتی دیگر، تاریخ دقیق تشکیل باشگاه‌های لاینز در ایران مشخص نیست. اما می‌توان حدس زد این باشگاه‌ها از سال ۳۹ هجری شمسی به بعد، فعالیت داشته‌اند. سال مزبور سال فعالیت منطقه ۲۵۴ الف لاینز در ایران است. مجمع جهانی لاینز‌ها حوزه فعالیت خود را به چند منطقه تقسیم کرده بود و باشگاه‌های لاینز ایران در منطقه ۲۵۴ قرار داشتند. خود این منطقه نیز از نظر جغرافیایی به چند قسمت تقسیم شده بود که با حروف ابجد نشان داده می‌شدند.

منطقه ۲۵۴ الف، حوزه فعالیت باشگاه‌های تهران را در بر می‌گرفت و از سال ۵۳ منطقه ۲۵۴ د از الف منشعب شد اما حدود جغرافیایی آن و منطقه‌های ۲۵۴ ب و ج در دست نیست.

اعضای باشگاه‌های لاینز همچون روتارین‌ها و ماسون‌ها ادعا می‌کنند در امور سیاسی دخالت نمی‌کنند (در اینجا سندی از ساواک آورده‌ایم که خلاف این ادعا را ثابت می‌کند) و حوزه فعالیت آنها مسائل اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و فرهنگی است. باشگاه‌های لاینز برخلاف روتاری سخنگیری چندانی در عضویت چند نفر از مدیران و اشخاص برجسته یک شغل و صنف ندارند. از این رو در این نوع باشگاه‌ها ممکن است از یک صنف چند نفر عضویت پیدا کنند. پنجمین مجمع لاینز ایران در اصفهان و به ریاست جعفر شریف امامی، رئیس شورای عالی لاینز ایران تشکیل شد. ساواک با زیر نظر گرفتن فراماسون‌ها از جمله حسین علا به اطلاعاتی دست می‌یابد: براساس سند شماره ۲:

نگاهی به وابستگی‌های عمیق رجال عصر پهلوی با کانون‌ها و محافل پنهانی

فراماسونری به روایت ساواک

- محمدرضاظرفیان

کرده و با توزیع آنان در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست، جامعه ما را به سمت اهداف خود کشانده است.

■ **رؤسای دانشگاه تهران**

از آغاز تأسیس دانشگاه تا تاریخ استقلال آن (سال تحصیلی ۲۲–۱۳۱۳) ریاست دانشگاه با وزیر وقت فرهنگ (دکتر مرآت) بود. پس از استقلال دانشگاه، تعیین رئیس آن انتخابی شد و برای نخستین بار دکتر علی‌اکبر سیاسی، عضو انجمن طرفداران حکومت جهان که خود فوئنگ استقلال دانشگاه را به تصویب رسانده بود، به ریاست دانشگاه تهران نایل شد. به موجب این قانون رئیس دانشگاه از میان رؤسای دانشکده‌ها و براساس رأی شورای دانشگاه انتخاب و به فرمان شاه منصوب می‌شد.

سال ۱۳۲۲ در نحوه انتخاب رئیس دانشگاه تغییری پدید آمد، به این معنی که برحسب قانون جدید، رئیس دانشگاه به موجب رأی شورای دانشگاه از بین ۳ نفر از استادانی که رتبه هیچ‌یک از آنها از «ه» استادی کمتر نباشد، به پیشنهاد وزیر فرهنگ و انتخاب شاه برای مدت ۳ سال منصوب می‌شد. به موجب قانون جدید، از تاریخ ۱۸ دی ماه ۳۳ دکتر منوچهر اقبال استاد دانشکده پزشکی و عضو کلوب روتاری و باشگاه لاینز، طبق رأی شورای دانشگاه و فرمان «شاه» به ریاست دانشگاه منصوب شد. اعضای شورای سیاست‌گذاری دانشگاه تهران در دهه چهل، ۱۲ نفر بودند که همگی عضو لژهای فراماسونری و روتاری و لاینز و سایر مراکز وابسته به این جریان‌ها بوده‌اند که مشخصاً مهندس هوشنگ سیحون (رئیس دانشگاه هنرهای زیبا) عضو کلوب

روتاری شمال و باشگاه لاینز فردوسی بود. از میان اساتید دانشگاه در یک فهرست ۳۰ نفره که همگی عضو لژهای فراماسونری و روتاری، و لاینز و سایر مراکز وابسته به این جریان‌ها بوده‌اند، افراد زیر عضو باشگاه لاینز بوده‌اند:

– دکتر منوچهر اقبال، استاد دانشکده پزشکی و عضو باشگاه لاینز

– دکتر خانبایا بیانی، مدیر گروه تاریخ دانشکده ادبیات و

عضو لژ فراماسونری سعدی

– دکتر علی‌پاشا صالح، استاد زبان انگلیسی دانشکده ادبیات و مترجم سفارت آمریکا، عضو کلوب روتاری و باشگاه لاینز (برادر دکتر جهانشاه صالح رئیس دانشگاه تهران)

■ **دانشگاه شیراز**

قدرتمندترین فرد استان فارس، دکتر قربان، رئیس دانشگاه شیراز بود که حتی استادانان فارس که از میان نزدیکان دربار انتخاب می‌شدند، توان مقابله با او را نداشتند. وی غیر از ریاست دانشگاه شیراز، بیش از ۵۰ شغل و پست کلیدی این استان را نیز در اختیار داشت. وی سال ۱۳۴۲ به ریاست باشگاه لاینز استان فارس رسید. او از اعضای مؤسس کلوب روتاری شیراز نیز بود. ارتشبد «حسین فردوست» که همه فعالیت‌های اطلاعاتی و صداطلاعاتی رژیم پهلوی را در دست داشت، دکتر قربان را در شمار عناصر و عوامل سازمان جاسوسی انگلستان می‌داند. دکتر قربان به عنوان یک بهایی و عضو فعال شبکه فراماسونری و روتاری، نظرات عناصر بیگانه و محافل استعماری ویژه صهیونیست‌ها را در حوزه تعلیم و تربیت جوانان ایرانی اجرا می‌کرد و شدت وابستگی او به حدی بود که نام وی در لیست اعضای انجمن دوستداران آمریکا و نظائر آن دیده می‌شود. در بین اساتید دانشگاه شیراز در یک فهرست ۱۹ نفره به نام دکتر محمد ساجدی استاد دانشکده پزشکی و عضو باشگاه لاینز نیز برمی‌خوریم.



نگاهی به وابستگی‌های عمیق رجال عصر پهلوی با کانون‌ها و محافل پنهانی

■ **حزب رستاخیز**
حزب رستاخیز که ۱۱ اسفند سال ۵۳ تأسیس شد و تنها حزب رسمی در اواخر دوران پهلوی شناخته می‌شد، روی شاخ ماسون‌های چرخید. رحیم زنتاب فرد، عضو هیأت اجرایی موقت حزب رستاخیز، عضو لژ جمعیت یاران و باشگاه لاینز بوده است. روزنامه آیندگان در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ اسامی چند تن از ۵۵ عضو هیأت اجرایی موقت حزب رستاخیز ملت ایران را چنین معرفی کرد: «لیلی امیراجمند، جمشید آموزگار، مهناز افخمی، منوچهر آزمون، مصطفی الموتی، حسین تجدد، محمدرضا حریری، رحیم زنتابفرد، احمد قریشی، رضا قطبی، مهدی قاسمی، منوچهر گنجی، قاسم لاجوردی، دارپوش همایون، محمد معتمدی، نصرالله مقتدر مژدهی، هوشنگ مهر، قاسم معتمدی، ناصر نائلی، ناصر یگانه». از اعضای ۵۵ نفره اولین هیأت اجرایی موقت حزب رستاخیز، حداقل ۲۶ نفر سابقه عضویت در لژهای فراماسونری یا باشگاه‌های روتاری و لاینز را دارند، اسامی برخی از آنان از این قرار است: جمشید آموزگار (عضو لژ ایران شاپیتز، لژ آمریکایی‌ها و وابسته به باشگاه روتاری تهران مرکزی)، منوچهر آزمون (عضو فراماسونری)، مصطفی الموتی (عضو لژهای تهران و ژاندارک و دانش و نیز رئیس باشگاه روتاری تهران مرکزی)، حیدرقلی برومند (عضو لژهای دانش، ژاندارک و اصفهان)، محمدرضا حریری (عضو فراماسونری)، غلامرضا خیراندیش (عضو لژ کسری)، رحیم زنتاب فرد (عضو لژ جمعیت یاران و باشگاه لاینز)، منوچهر تسلیمی (معون لژ ابوعلی سینا و دبیر لژهای مولوی و کمال سقراط)، احمد قریشی (عضو لژهای نور و

میترا)، قاسم لاجوردی (عضو لژ ستاره سحر)، دکتر محمد معتمد باهری (عضو لژ تهران)، جواد منصور (عضو لژهای مولوی تهران، فروغی، کورش و دانش و عضو باشگاه روتاری تهران مرکزی)، دکتر فرهنگ مهر (عضو لژهای کوه و سعدی و کمال اندیشه و فروغی و عضو باشگاه روتاری تهران مرکزی)، دکتر قاسم معتمدی (عضو فراماسونری)، دکتر نصرالله مقتدر مژدهی (عضو فراماسونری)، دکتر هوشنگ نپاوندی (عضو لژهای فرآیی، آفتاب، فروغی و امیرکبیر و لژ بزرگ ایران و شیراز و عضو باشگاه روتاری رشت)، دکتر پرویز نائل خانلری (عضو فراماسونری) و دکتر ناصر یگانه (عضو لژهای تهران، خیام، سعدی، دانش، کورش، فروغی، شاپیتز کورش و کمال سقراط و عضو باشگاه روتاری شمیران)؛ ناصر یگانه سال ۱۹۷۳ به درجه مبارک ارتقا یافت. دکتر حبیب‌الله دافر (عضو لژ سعدی)، دکتر منوچهر گنجی (عضو باشگاه روتاری تهران مرکزی) و دارپوش همایون (ماسون و عضو باشگاه روتاری تهران مرکزی).

در بررسی سوابق افرادی قبل از انقلاب، گاهی به عبارتی برمی‌خوریم که اعلام می‌کند شخص، عضو باشگاه‌ها، انجمن‌ها، جمعیت‌ها، کانون‌هایی به نام… بوده است که بعضاً عبارات و مفاهیمی که در برگیرنده نام و فعالیت دستجات و گروه‌هاست، روشن نیست. مطلب حاضر درباره باشگاه لاینز تهیه شده که توضیحات زیر ضروری است:

۱- در تدوین مقاله فقط از اسناد و پرونده‌های موضوعی ساواک استفاده شده است.

۲- به نظر می‌رسد مطالب مطروحه به اندازه کافی گویاست، لذا از تحلیل مطالب خودداری شده است.

۳- لاینز به معنای شیران است.

۴- لنو به معنای شیر جوان است.

منبع:فصلنامه مطالعات تاریخی

دو بال برای پرواز –۱۷

فرهاد ملامینی: در نوشتار پیشین کمی درباره تجسیم و نیز دیدگاه مخالفان و موافقان این موضوع توضیح داده شد. همانگونه که تبیین شد اصل مساله جسمانی شدن خداوند متعال امری است که با ذات و صفات حضرت باریتعالی همخوانی ندارد. از سویی این مساله مفاسدی را نیز در پی دارد که به برخی از آنها اشاره شد که یکی از آنها محدود بودن پروردگار است. اگر این فرض یعنی محدود بودن خداوند پذیرفته شود لازم می‌آید آن قالبی که موجود محدود در آن قرار گرفته است بر شیء، محدود سیطره دارد بر خداوند که موجودی نامحدود است نیز سیطره داشته باشد، پس با جسمانی دانستن خداوند باید او را محدود نیز دانست. امام رضاع) در حدیثی اینگونه به این مساله می‌پردازند: «نخستین گام در بندگی خدا شناخت او است و پایه شناخت خداوند بلندنام، یگانه دانستن او است، و نظام توحیدش نفی حد و حدود از او است، زیرا خردها بر این گواهی می‌دهند که هر موجود محدودی مخلوق است»^(۱) همانگونه که در این حدیث شریف دیده می‌شود نظام توحید اسلامی بر نفی محدودیت از خداوند متعال است. پیامبر مکرم اسلام (ص) نیز در حدیثی می‌فرمایند: «توحید، آشکارش در نپان آن است و نپان در آشکارش. آشکارش توصیف شده‌ای نادبندی است و نپانش موجودی آشکار است. در همه جا حضور دارد و هیچ جا، حتی لحظه‌ای، از وجود او خالی نیست، حضور دارد اما محدود آبه جا و مکانی نیست و غایب است اما ناپیدا نیست»^(۲). این احادیث تبیین آیاتی از قرآن کریم است که آن آیات نه صراحتاً، بلکه به صورت غیر مستقیم به این موضوع می‌پردازد، در حالی که استتلال در دل این آیات نپان است: «وست آن کس که آسمان‌ها و زمین را در ۶ هنگام آفرید، آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالا رود همه را آما می‌داند و هر کجا باشدید او با شماست و خدا به هر چه می‌کنید پیوسته است»^(۳) این آیه کریمه مبین این مطلب است که خداوند با همگان است ولی در چیزی نیست، او موجودی بیسط و فراگیر است که در تمام هستی وجود دارد ولی نه به این معنا که جزئی از ایشان باشد یا آنها جزئی از خداوند باشند. برای نزدیک شدن به ذهن، مثالی را عرض می‌کنیم: یک لامپ از اجزایی تشکیل شده است ولی نور جزئی از این لامپ نیست، بلکه حاصل انرژی است که از ژنراتور به لامپ می‌رسد، پس انرژی نیز جزو لامپ نیست ولی در تمام لامپ جریان دارد و اصلاً مفید بودن لامپ به نورافشانی آن است که حاصل انرژی‌ای است که به لامپ واصل می‌شود، البته باید این را تذکر داد که همانطور که عرض شد آنچه بیان شد صرفاً یک مثال است پس مخاطب محترم نباید گمان کند ما خداوند را (معالائه) به انرژی تشبیه کردیم، زیرا انرژی موجودی است که شعور و اختیار از خود ندارد، بلکه او نیز مخلوقی است که اختیار از ید خداوند قادر متعال است، زیرا او کسی است که مانند‌ی ندارد؛ «چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا»^(۴) و از جایی که هیچ چیز مانند او نیست باید دانست که اگر او یکی از اجسام بود نمی‌شد او را بی‌مانند دانست، زیرا جسم بودن مساوی است با مخلوق بودن و مخلوقات همه ممکن‌الوجود هستند یعنی بودن یا نبودن‌شان یکی است تا زمانی که موجودی که نیازمند به پدیدآوردن‌دهی نیست، بخواهد تا آن موجود هست شود، پس اگر خداوند متعال ماندی ندارد دال بر این است که او در اصل وجود مانند دیگران نیست یعنی او موجودی است که جنس وجودش با سایرین تفاوت می‌کند، حکما خداوند را واجب‌الوجود می‌دانند یعنی موجودی که برای بودنش نیازمند دیگران نیست، پس او مانند دیگران نیست، زیرا کسی غیر از او متکی به ذات خویش نیست، او است که علت همگان است و علتی برای او وجود ندارد. اگر او جسم بود باید سایرین در مرتبه وجود و جنس وجود مانند او بودند در این صورت او دیگر مصداق آیه یاد شده نمی‌بود. جسم بودن پروردگار که همان مخلوق بودن او را نیز به همراه می‌آورد دلیلی خواهد بود بر فقر ذاتی او، زیرا موجودات ممکن همانگونه که گفته شد موجوداتی هستند که برای ایجاد شدن نیاز به دیگری دارند، پس فقر ذاتی دارند، در حالی که خداوند غنی از تمام موجودات است همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید: «خدا بی‌نیاز ستوده است»^(۵)

بی‌نوشته

۱- میزان الحکمه، ج۷-فارسى، ص ۲۰۷

۲- میزان الحکمه، ج۷-فارسى، ص ۲۰۶

۳- سوره مبار که حدید، آیه ۴

۴- سوره مبارک که شوری، آیه ۱۱

۵- سوره مبار که تغیان، آیه ۶